

سوگند در ایران و اسلام

پروفسور سید حسن امین

تعریف

سوگند اخبار شفاهی شخص حقیقی با گواه گرفتن خداوند، در مقام ادای شهادت از سوی گواه یا اظهار انکار از سوی مدعی علیه یا دادن و گرفتن قول در مقام قبول التزام و تعهد به انجام یا ترک عملی یا ابراز وفاداری نسبت به مرام یا نظام یا گروه یا فرد معین در مراسم معین و با تشریفات خاص است که در فقه امامیه از آن به «یمین» و «خلف» به معنی سوگند و قسم (مجمع البحرین، ۴۰/۵) و تحلیف به معنی سوگند دادن (تاج المصادر، ۵۷۰/۲) تعبیر می‌شود. به این ترتیب سوگند گاهی از ادله اثبات دعوی و گاهی از مقوله تأکید بر التزام است. چنان که در حقوق ایران برابر ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی گواهان پیش از ادای شهادت «سوگند یاد می‌کنند که تمام حقیقت را بگویند و غیر از حقیقت چیزی نگویند».

پیشینه تاریخی

سوگند در همه فرهنگ‌ها و نظام‌های دینی، سیاسی و حقوقی رایج بوده است و به ویژه در روزگاران گذشته که اسناد مکتوب و امضاء آن‌ها به اندازه امروز شایع نبوده است، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. برای مثال، در تمدن عیلام، برابر لوحه‌های سنگی متعلق به هزاره سوم و دوم پیش از میلاد، قرار دادهای حقوقی با سوگند به نام یکی از

خدایان مثل انشوشیناک *Inshushinak* (خدای شوش) تضمین می‌شده است (ایران‌شهر، ۲۷۷/۱). در تمام نظام‌های حقوقی بدوی و مترقی، شخص به اشیاء و اشخاصی که نزد او مقدس و محترم و محبوب اند، سوگند یاد می‌کند. چنان که تا همین امروز در زبان فارسی چه در محاوره و چه در نظم و نثر سوگند خوردن به جان عزیزان اعم از مقدسین و مقدسات یا جقه پادشاه یا سر امیر و وزیر یا پدر و مادر یا معشوق و محبوب، معمول و مرسوم بوده است و برای مثال، حافظ به جاه و جلال پادشاه وقت (شاه شجاع فرزند مبارز الدین محمد از آل مظفر) چنین سوگند خورده است:

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع
و دیگری خطاب به معشوق خود سروده است:

قسم به جان تو خوردن، نشان بی ادبی است به خاک پای تو کان هم عظیم سوگند است
در عصر جاهلیت، ابو جهل، به رسم بت پرستان مکه به لات و عزی سوگند خورد
(شواهد النبوة، ۱۴۷) و اعراب علاوه بر بت‌ها، به نام و شرف قبیله خود یا شمشیر هم
سوگند می‌خوردند (اسالیب القسم، فتحی الراوی، ۱۷). مهم‌ترین موارد تاریخی
سوگندهای دسته جمعی در عصر جاهلی نخست «حلف المطیین» در میان قریش در مکه
بود (الکامل، ابن اثیر، ۴۱/۲) و دومین سوگند دسته جمعی مهم «حلف الفضول» بیست
سال پیش از بعثت با مشارکت پیامبر اسلام صورت گرفت (تاریخ یعقوبی، ۳۷۱/۱؛ النهایه
، ابن اثیر، ۲۹۱/۲، بلاذری، ۱۲/۲، مسعودی، ۶۲۶/۱ - ۶۲۷، ابن ابی الحدید، ۱۳۰/۱۴).

«حلف الفضول» به اندازه‌ای اهمیت داشت که وقتی ولید (برادر زاده معاویه) والی
مدینه راه زورگویی گرفت، امام حسین (ع) به او گفت: اگر حق مرا پایمال کنی، در مسجد
رسول به «حلف الفضول» دعوت می‌کنم (الکامل، ابن اثیر، ۲۶/۲ - ۲۷؛ سیره، ابن
هشام، ۱۴۵/۱ - ۱۴۶). از مضمون کلام امام حسین (ع) بر می‌آید که مقصود از حلف،
سوگند خوردن در بستن پیمان اتحاد و اتفاق برای احقاق حق و مبارزه با ظلم است. لذا
روایت «لا حلف فی الاسلام» (مجمع البحرین، ۳۹/۵) را باید به سوگند خوردن‌های دسته
جمعی عصر جاهلی که اغلب برای متحد شدن قبائل در قتل و غارت و کین توزی و انتقام
جویی صورت می‌گرفت، ناظر دانست، یا آن که آن را به سوگند دروغ تخصیص داد؛ چنان

که حلف در قرآن مجید، اکثر برای سوگندهای دروغین ذکر شده و به منافقان نسبت داده شده است. (نساء، ۶۲، مجادله، ۱۴، توبه، ۴۲، ۵۶، ۶۲، ۷۴، ۹۵-۹۶)، و در یک مورد که حلف به مؤمنان نسبت داده شده است، کفاره شکستن سوگند، اطعام یا لباس دادن به دو نفر یا آزاد کردن یک بنده یا گرفتن سه روز روزه معین شده است (سوره مائده، آیه ۸۹).

در نظام حقوقی ایران پیش از اسلام، نیز سوگند خوردن مرسوم بوده است. چنان که در جنگ رستم و اسفندیار، این دو قرار گذاشتند که سپاهیان خود را از جنگ معاف دارند و در عوض تنها دو سردار با یکدیگر جنگ تن به تن کنند. و هر یک دیگری را کشت، لشکریان تحت فرماندهی سردار مقتول، به فرماندهی سردار قاتل تسلیم شوند. پس «یکدیگر را سوگند دادند و پیمان گرفتند». (دینوری، ابو حنیفه، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی، نی، ۱۳۶۴، ص ۵۰).

در کتاب‌های حقوقی زرتشتیان، بخش خصوصی به «گواهی و سوگند» اختصاص داشته است (ماهنامه سخن، ابراهیم پور داود، سال اول، ش ۱ (خرداد ۱۳۲۲)، ۱۲). به این معنی که هرگاه کسی در دعوی خود بدون بینة خارجی اصرار می‌ورزیده است، به او پیشنهاد می‌کرده‌اند که برای اثبات حقایق خود به آزمایش اینزدی (Varanake «داوری») تن در دهد و خدا را «یاور» خود بگیرد. این آزمایش یا «ورگرم» (عبور از آتش یا فرو بردن بازو در آب جوشان) یا «ورسرد» (عبور از رودخانه در هوای سرد یا خوردن سم مهلک) بود (یشتها، پور داود، ۱/۵۶۴ - ۵۶۷). نیز در فرهنگ اساطیری ایران باستان همیشه در آتش رفتن و به سلامت بیرون آمدن از آن نشانه صدق دعوی تلقی می‌شده است. چنان که فردوسی در قصه سودابه و سیاوش، طرح گذر کردن سیاوش را از آتش برای اثبات دعوی خود در برابر تهمت سودابه چنین به نظم کشیده است:

ز هر دو سخن چون بر اینگونه گشت	بر آتش ببايد یکی را گذشت
چنین است سوگند چرخ بلند	که بر بی گناهان نیاید گزند
مگر کاتش تیز پیدا کند	گنه کار را زود رسوا کند

(شاهنامه، چاپ بهادری، ص ۱۳۹)

فردوسی در شاهنامه همچنین از در آتش رفتن زرتشت و بی خطر ماندن آتش بر او

در مقام اثبات حقانیت خود سخن گفته است. نیز همین معیارها در ادیان ابراهیمی نیز مقبول بوده و به احتمال بسیار به آتش افکندن ابراهیم خلیل به دست نمود، تنها از باب تعذیب و اعدام نبوده است، بلکه نوعی آزمایش صدق یا کذب دعوی او بوده است، چنان که مولوی گوید:

چون خلیلی، هیچ از آتش مترس من ز آتش صد گلستان می کنم
(دیوان شمس، ۲۵/۴)

مولوی همچنین در مثنوی می گوید:

در تو نمردی است در آتش مرو رفت خواهی، اول ابراهیم شو
(مثنوی، ۱۶۰۶/۱)

همچنین نسوختن ابومسلم خولائی که اسود عنسی او را در آتش افکند (شواهد النبوه، ۴۳۰ - ۴۳۱)، یا تقابل ملحدی با موحدی به نقل مولانا و مشابهات آن در سلامان و ابسال به نقل جامی و بعدها رو به رو شدن حسین علی شاه اصفهانی با پادری مارتین انگلیسی در اصفهان از آن دست است (همانجا، ۴۳۱). بنابراین، چنین می نماید که در کیش زرتشتی به شهادت طلبدین ایزدان و آدی سوگند از بابت تأکید در صحت دعوی بوده است. اما علاوه بر آن، از سوگند برای تأکید در تعهد و بلکه مطلق کلام هم استفاده می شده است، چنانکه در «کارنامه انوشیروان به خامه خود او» آمده است که: «سوگند که دوست داشتنی ترین و بزرگان در نزد ما، و نیک خواه ترین ایشان به ما، آن کسی است که در حق رعیت از رفتار ما پیروی کند» («دادرسی و قضاوت در ایران باستان»، علی سامی، بررسی های تاریخی، سال ششم، ش ۱ فروردین - اردیبهشت ۱۳۵۰، ۲۷۶)؛ دوازده مقاله تاریخی، سید محمد علی امام شوشتری، به کوشش یحیی شهیدی، ۳۳۰).

در نظام های حقوقی و دینی غرب نیز، سوگند یاد کردن از دیر باز در نظامات اداری، سیاسی، حرفه ای، قضایی و دینی مطرح بوده است. یعنی وقتی که مدعی برای اثبات حقانیت دعوی خود، از اقامه بیّنه مطلوب عاجز بود، با گواه گرفتن خدا یا رب النوع یا بُت مقبول خود به آزمایش ایزدی که در زبان های اروپایی به آن اوردال *Urteil* می گفته اند، متوسل شده و از آن وجود قدسی می خواستند که راستگو را تأیید و دروغگو را مفتضح کند

افزون بر این گونه سوگندها که در جریان دادرسی معمول بود، در یونان باستان، سوگند یاد کردن به ارباب انواع در مقام تعهدات حرفه‌ای همچون سوگند پزشکی بقراط معمول بوده است. ویل دورانت متن «سوگند نامه بقراط» را چنین ضبط کرده است:

«من به آپولون ... و به همه‌ی خدایان سوگند یاد می‌کنم و آنان را گواه خویش می‌سازم که تا آنجا که بتوانم و آگاه باشم، به این سوگند نامه وفادار مانم، استاد خویش را در این فن با پدر برابر شمارم ... تا آنجا که بتوانم و آگاه باشم، دردهای بیماران را درمان خواهم کرد ... اگر از من بخواهند که کسی را زهر دهم، هرگز چنان نخواهم کرد ... داروی سقط جنین به زنان نخواهم داد ... هیچ گاه کسی را به عمد، زبان و آسیب نخواهم رساند ... هرگاه طی معالجت خود یا در ضمن روابطی که با دیگران دارم، بر نکته‌ای آگاه شوم که پنهان کردن آن واجب باشد، هرگز آن را فراموش نخواهم کرد» (تاریخ تمدن، ترجمه امیر حسین آریان پور و دیگران، ۲/۲۸۷).

در کیش عیسوی نیز سوگند خوردن چه در جریان محاکمه و چه در تشریفات مذهبی و اداری معهود بود، به طوری که تا ۱۹۳۸ تمام میسیونرهای کاتولیک، باید «سوگند تسلیم» *Oath of Submission* یاد می‌کردند (ذیل ماده، ایان بریواری، فرهنگ جدید بین المللی کلیسای مسیحی، ۶۶۵).

سوگند در نظام‌های حقوقی غیر دینی

الف) در حقوق کامن لا *Common Law* نیز سوگند در جریان دادرسی به هنگام ادای شهادت و هم در خارج از دادگاه مورد استفاده است. در خارج از دادگاه، سوگند نزد محضر دار مخصوصی که به او مجری قسم: *Commissioner of Oath* گویند، انجام می‌شود و سپس متن سوگند نامه به امضاء شخص و نیز به مهر و امضاء مجری قسم می‌رسد و به عنوان قسم نامه *Affidavit* از اعتبار قضایی بیشتری برخوردار است. اما سوگند دادن شهود از سوی دادگاه در جریان دادرسی، چنین است که هر شاهد باید در حالی که دست بر روی کتاب آسمانی مورد قبول خود می‌گذارد، به خداوند سوگند یاد کند که «حقیقت را می‌گویند، تمام حقیقت را می‌گویند و چیزی جز حقیقت نمی‌گویند». پس از اداء سوگند، اگر شاهد در محضر دادگاه شهادت دروغ بدهد، به جرم شهادت دروغ

Perjury مستقلاً از سوی دادگاه محبوس خواهد شد. به علاوه، در بیرون از جریان دادرسی برای تصدی بعضی مشاغل مثل سمت وکیل دادگاه‌های عالی و یا قضاوت دادگستری نامزد این شغل باید به وفاداری نسبت به ملکه سوگند یاد کند.

(ب) در حقوق فرانسه نیز سوگند بر دو قسم است: سوگند قضایی یعنی *Le serment affirmatif ou probatoire* و سوگند تعهد یا یمین العقد *Le serment Promissoire*.

از جهت مفهومی و کاربرد، سوگند در نظام دینی و حقوقی اسلام، تفاوتی با حوزه‌های دینی و تمدنی و حقوقی پیش از اسلام ندارد، جز این که سوگند در نظام حقوقی اسلامی که از آن به حلف، استحلاف، تحالف، مخالفه، یمین و امثال آن تعبیر می‌شود، تابع شروط خاصی است که در صورت عدم رعایت آنها، فاقد ارزش و اعتبار قضایی خواهد بود (تبصره، ۲۷۴/۳)، چنان که نمونه‌ای از آن درباره امام جعفر صادق (ع) نزد منصور دوانیقی سعایت می‌کرد، گزارش شده است (شواهد النبوه، ۲۶۸). مهم‌ترین فقه خصوصیت سوگند در فقه اسلامی آن است که سوگند باید به نام «الله» باشد. یعنی سوگند شرعی برای مسلمان و ذمی منعقد نمی‌شود مگر با لفظ جلاله «الله» و یا اسماء خاص الهی مانند رحمن، قدیم، قیوم، مهیمن و امثال آنها که مخصوص حضرت حق تعالی می‌باشد و دیگری در آنها شریک نیست. (تبصره، علامه حلی، چاپ زین العابدین ذوالمجدین، متن عربی، ۲۷۴/۳ و ترجمه فارسی ۲۷۵/۳). پس قسم به قرآن مجید (یا دیگر کتب آسمانی) یا به کعبه یا به نام پیامبر اسلام یا اسماء امامان معصوم یا دیگری سوگند شرعی محسوب نمی‌شود. دلیل بر لزوم لفظ جلاله در سوگند شرعی، آیات قرآنی «فیقسمان بالله» (پس به خدا سوگند خورند) «واقسموا بالله جهد ايمانهم» (سخت‌ترین سوگندهایشان را به نام خدا می‌خورند)

و حدیث نبوی «لا تحلفوا الا بالله» = جز به خدای سوگند نخورید، و صحیحه سلیمان بن خالد از امام صادق: «اليهود و النصارى و المجوس لا يحلفون الا بالله» است. لذا کسی که قسم یاد می‌کند باید صریحاً لفظ جلاله «الله» بگذارد و با اشاره قسم یاد کند (تبصره حلی، ۲۷۵/۳ - ۲۷۷؛ النهایه، توسی، چاپ محمد باقر سبزواری) تغلیظ در تحلیف مستحب است (تبصره، ۲۷۵/۳).

اختلاف اعتبار در انواع سوگند

۱) اختلاف اعتبار سوگند در مسائل مصداقی و حکمی، سوگند فقط در مسائل مصداقی و موضوعی قاطع دعوی است و در مسائل حکمی اعتبار ندارد، زیرا بیان حکم دعوی از جمله قواعد آمره است و باید بر اساس صریح قانون یا روح قانون اعلان شود و در اختیار متداعیین نیست.

۲) اختلاف اعتبار سوگند در حقوق الناس و حقوق الله، سوگند در حقوق الناس به حکم قاعده معروف «البینة علی المدعی و الیمین علی المنکر» و منطوق حدیث نبوی «انما اقضی بینکم بالبیّنات و الایمان» = من در میان شما بر مبنای شهادت شهود و سوگند قضاوت می‌کنم» یکی از ادله ثابت دعوی است. یعنی در حقوق الناس، چه حقوق مالی (قرار داد و شبه قرار داد) و چه حقوق خانواده (طلاق و خلع و رجوع) سوگند یکی از ادله اثبات دعوی است. اما در حقوق الله (حدود یا رؤیت هلال) سوگند - حتی به ضمیمه شهادت شاهد واحد - از ادله اثبات نیست (تبصرة، ۳/ ۲۸۰).

کاربردهای سوگند، در زمینه‌های مختلف حقوق به شرح زیر قابل تقسیم است:

اول - سوگند به مثابه یکی از ادله اثبات دعوی

الف - سوگند مستقل از بیّنه

نوع اول سوگند به قاعده «البینة علی المدعی و الیمین علی المنکر»، سوگند به مثابه یکی از ادله مستقل اثبات دعوی است که اگر مدعی به آوردن بیّنه (شهود) قادر نباشد، حق دارد از قاضی بخواهد که مدعی علیه را قسم دهد. در تحلیف مدعی علیه به درخواست مدعی به وسیله قاضی، سه مورد قابل پیش بینی است:

۱) قسم ابتدایی منکر: در این مورد مدعی علیه (خواننده) بر صحت انکار خود قسم یاد می‌کند که در این صورت دعوی مدعی ساقط می‌شود و پرونده فیصله یافته و حکم قضیه مختوم پیدا می‌کند (وسائل، ۱۸ / باب ۹).

۲) قسم مردوده، در این مورد، مدعی علیه که به او تکلیف سوگند شده است، سوگند را به مدعی رد می‌کند. در این صورت، اگر مدعی بر صحت ادعای خود قسم یاد کرد، مدعای او ثابت می‌شود و اگر مدعی هم از قسم خوردن امتناع کرد، ادعای او ساقط

می‌شود و پرونده با صدور حکم براءت ذمه مدعی علیه فیصله می‌یابد. (تبصرة، ۳/۲۷۸ - ۲۸۰).

۳) در صورت سوم، مدعی علیه به کلی نکول می‌کند یعنی نه خود قسم یاد کند و نه قسم را به مدعی رد کند. در این صورت، برابر قول جمعی از فقیهان، به مجرد امتناع مدعی علیه از سوگند، حق مدعی ثابت می‌شود و حاکم باید به نفع او حکم صادر کند و به قول عده‌ای دیگر از فقیهان، پس از نکول مدعی علیه، قاضی باید رأساً مدعی را به قسم دعوت کند و بنابراین نظر تنها پس از قسم خوردن مدعی، حکم به نفع او صادر می‌شود و اگر او نیز از قسم خوردن امتناع کرد، دعوی او ساقط می‌شود. (تبصرة، ۳/۲۷۹).

ب - سوگند مدعی منضم به شاهد واحد

بینه شرعی در فقه قضایی به شهادت دو مرد عادل و یا یک مرد و دو زن «و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان» ثابت می‌شود. لیکن اگر مدعی نتواند دو شاهد مرد اقامه کند، می‌تواند با استفاده به شهادت یک نفر مرد، سوگند خود را به آن ضمیمه کند و به نفع خود حکم بگیرد. اما برای این که انضمام شهادت به سوگند، اعتبار شرعی داشته باشد، رعایت ترتیب تقدم شهادت بر سوگند واجب است. یعنی مدعی نخست باید شاهد خود را حاضر کند و بعد از اداء شهادت شاهد چون شهادت یک شاهد کافی نیست، مدعی سوگند خود را برای رفع نقص آن به آن ضمیمه کند. اما اگر مدعی ابتدا به سوگند کند و بعد شاهد شهادت دهد، بینه شرعی منعقد نمی‌شود (تقضاء در اسلام، وحیدی، ۱۰۹).

ج - سوگند مدعی منضم به بینه شرعی در دعوی بر میت

در دعوی بر میت، مدعی پس از اقامه شهود باید قسم نیز یاد کند که حق در ذمه مدعی علیه باقی است و آن را دریافت نکرده است (تقضاء در اسلام، ۹۳ - ۹۵). به نظر بعضی از فقیهان، سوگند منضم به بینه نه تنها در مورد میت بلکه همچنین در هر موردی که مدعی علیه «شبه میت» باشد (مانند غائب مجهول الاثر، طفل، و دیوانه) نیز حاکم است، زیرا در این گونه موارد، مدعی علیه مثل شخص مرده، قادر به دفاع از خود نیست. اما جمعی دیگر از فقیهان گفته‌اند که در موارد «شبه میت»، تحلیف مدعی لازم نیست،

لیکن قاضی باید به هنگام تأدیه محکوم به از محکوم له کفیل بگیرد تا اگر محکوم علیه غائب حاضر شد و بر محق نبودن مدعی، اقامه شهود کرد، بتواند حق خود را استرداد کند (وحیدی، ۹۶ - ۹۹) بعضی جزائیات (مانند قتل خطا و قتل شبه عمد) نیز ممکن است، با شهادت یک مرد به ضمیمه سوگند مدعی، حکم صادر شود و مستند آن حدیث «کان رسول الله یقضی بشاهد و یمین» است (قضاء در اسلام، ص ۱۳۹).

دوم - سوگند از نظر آئین دادرسی مدنی

الف - سوگند بتی که به اصطلاح قانون مدنی، قاطع دعوی است (ماده ۱۳۳۱ ق.م. و حکم مستند به سوگند، قابل پژوهش و فرجام نیست (حکم تمیزی شماره ۱۱۹۴ مورخ ۱۳۲۵/۷/۳ شعبه ۶ دیوان کشور، دانشنامه حقوقی، جعفری لنگرودی، ۴ / ۵۴۶).

ب - سوگند بر دو قسم است:

۱) سوگند استظهاری، مواردی است که دادگاه رأساً از مدعی می‌خواهد که سوگند یاد کند. مهم‌ترین این موارد موردی است که دعوی بر میت اقامه شده باشد و ادله مدعی هم سند رسمی نباشد (ماده ۱۳۳۳) بلکه با اسناد عادی، اصل حدوث حق، بر دادگاه ثابت شده باشد که در این صورت، چون مدعی علیه فوت کرده و امکان اثبات سقوط آن تعهد و اداء آن حق از او سلب شده است و مدعی هم در حیات او اقامه دعوی نکرده است، در اینجا دادگاه به خلاف قاعده استصحاب بقای حق (موضوع ماده ۳۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی)، پیش از صدور حکم به نفع مدعی، باید مدعی را سوگند دهد تا به بقاء آن حق مطمئن شود (ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی). ایتان سوگند استظهاری مشروط به دو شرط است:

الف) وجود دلیل قبلی بر ثبوت حق بر ذمه میت.

ب) تردید در بقای حق.

ویژگی آن نیز این است که اولاً، حکمی که مستند به سوگند استظهاری است (به خلاف حکم مستند به سوگند بتی) قابل تجدید نظر است و ثانیاً، سوگند استظهاری (به خلاف سوگند بتی که از طرف خواننده قابل رد به خواهان است) از طرف خواهان قابل رد به خواننده (وارث میت) نیست.

۲) سوگند بئی، مواردی است که دادگاه به تقاضای یکی از اصحاب دعوی، طرف او را که منکر حق اوست با صدور قرار ایتان سوگند محکوم می‌کند (مواد ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ ق.م.ا). دادگاه تنها وقتی قرار سوگند صادر می‌کند که ادله قضایی (اقرار، سند، شهادت و امارات) برای صدور حکم در پرونده وجود نداشته باشد وگرنه، قرار رد تقاضای سوگند را صادر خواهد کرد (دانشنامه حقوقی، جعفری لنگرودی، ۴ / ۵۴۲) موضوع سوگند را دادگاه معین می‌کند که برای مثال ممکن است وقوع یا عدم وقوع منشاء تعهد (مثل معامله)، یا وجود یا عدم تعهد (دین)، یا بقاء یا سقوط تعهد (باز پرداخت یا عدم پرداخت دین) یا نفی علم نسبت به موضوع دعوی باشد (دانشنامه حقوقی، ۴ / ۵۴۲). قسم باید صورت جلسه شود و به امضاء دادرس دادگاه و منشی دادگاه و کسی که سوگند یاد کرده و کسی که تقاضای سوگند کرده است، برسد (همان جا، ۴ / ۵۴۴).

ج - سوگند قضایی باید بعد از صدور قرار ایتان سوگند، اداء شود و در صورتی که قرار مقدماتی مذکور صادر نشده باشد، از لحاظ ائین دادرسی از درجه اعتبار ساقط است.

د - سوگند باید در جلسه دادگاه به دستور قاضی اداء شود و اگر کسی که باید سوگند بخورد به واسطه بیماری یا عذر دیگری از حضور در دادگاه معذور باشد، قاضی باید خود یا نماینده‌اش در محل مناسبی مثل بیمارستان حاضر شود (ماده ۴۶۶ آیین دادرسی مدنی). کسی که برابر قرار دادگاه قسم متوجه اوست، یا باید قسم یاد کند، یا قسم را به طرف دیگر رد کند. اگر قسم یاد نکند و رد قسم به طرف دیگر هم نکند، دادگاه به محکومیت او نسبت به ادعایی که تقاضای قسم بر آن شده است، رأی صادر خواهد کرد. (ماده ۱۳۲۸ ق.م.ا)

سوگند نسبت به تعهدات آینده، در برابر سوگند قضایی که در جریان دادرسی و در جهت اثبات اظهارات مدعی یا منکر نسبت به تعهدات سابق اداء می‌شود، سوگند ممکن است ناظر به امور آینده و به اصطلاح «یمن العقد» باشد و آن نیز بر دو قسم است:

الف - سوگند در حقوق تعهدات، هر شخص حقیقی در حقوق خصوصی ممکن است قبول تعهدات و التزامات شخصی خود را نسبت به دیگران با سوگند به خدا مؤکد کند. اما این گونه قسم به منطوق «ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم» مکره است و از امام صادق

(ع) روایت است که: به خدا نه به راست و نه به دروغ سوگند مخورند (تہذیب، طوسی، باب الایمان و الاقسام، خبر ۲۵ و کافی، کلینی، باب کراهة الیمین، خبر ۱-۵)، به این معنی که قسم خوردن به خدا استخفاف اوست و اگر دروغ باشد، حرام و اگر راست باشد، مکروه است. با وصف کراهت، از نظر حقوقی، شخص می‌تواند در حقوق تعهدات جز در مورد استثنایی، تعهد خود را به فعل یا ترک فعل به قسم مؤکد کند. موارد استثناء، در احادیث زیر معین شده است: ۱) «ولا یمین لولد مع والده و لا للمملوک مع مولاه و لا للمرأة مع زوجها» = سوگند فرزند نسبت به پدر و سوگند نسبت به بنده از سوی مالک و سوگند نسبت به زن از سوی شوهر، بی اعتبار است (شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، ۳/۸-۴). یعنی اگر مالک سوگند یاد کند که هیچ گاه بنده‌ای را نمی‌فروشد و بعد به دلیلی بخواهد آن برده را بفروشد، برای او منعی نیست. همچنین سوگند به قطع رحم، باطل است، مثل این که اگر کسی سوگند یاد کند که اگر با همسرش آشتی کند، یا اگر با خواهرش صحبت کند یا اگر به خانۀ برادرش برود، یا اگر در عزای فلان عضو خانواده شرکت کند، همه اموال یا فلان مال او وقف این و آن باد (همانجا، ۶/۸). همچنین است اگر مردی حتی به تغلیظ و با لفظ جلاله سوگند یاد کند که بعد از این برای خانواده‌اش هیچ هدیه‌ای نخواهد خرید، این سوگند به همین دلیل بی اعتبار است (همانجا، ۱۰/۸)؛ ۲) کسی که سوگند می‌خورد، تا مدت چهل روز حق دارد که مواردی را از موضوع تعهد خود استثناء کند (همانجا، ۱۷/۸-۱۹)؛ ۳) سوگند در حال تقیه، مجاز ولی خالی از اعتبار است و نقض آن موجب کفاره یمین نمی‌شود (همانجا، ۳۵/۸).

ب - سوگند در حقوق اداری؛ سوگند خوردن در حقوق اداری که از آن به «مراسم تحلیف» تعبیر می‌کنند، بخشی از مقررات آمره رسمی در حقوق اساسی و اداری است که انجام آن پیش شرط لازم برای تصدی بعضی از مناصب رسمی و مشاغل دولتی یا خدمات عمومی و یا حرفه‌ای است. برای مثال، قبل از برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران، اصل ۳۹ متمم قانون اساسی مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق. مقرر می‌داشت که «هیچ پادشاهی بر تخت نمی‌تواند جلوس کند مگر این که قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود و با حضور اعضای شورای ملی و سنا و هیئت وزرا به قرار ذیل قسم یاد

نماید» (حقوق اساسی ، قاسم زاده، ۴۶۶). تحلیف احمد شاه قاجار، رضا شاه پهلوی و محمد رضا شاه پهلوی برابر مقررات مذکور با تشریفات ویژه به عمل آمد. در نظام جمهوری اسلامی نیز برابر اصل ۱۲۱ قانون اساسی ۱۳۵۸، رئیس جمهور منتخب باید در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، به شرح متنی که در قانون اساسی مندرج است، «در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران» سوگند یاد کرده و متن سوگند نامه را امضاء کند (قانون اساسی، ۳۷).

همچنین برای شروع به خدمت در مشاغل نمایندگی مجلس، قضاوت، عضویت هیأت منصفه، پزشکی، وکالت دادگستری، کارشناسی رسمی و تعدادی دیگر از مشاغل مشابه باید مراسم تحلیف به عمل آید (ادله اثبات دعوی، شیخ نیا، ۱۵۱). در عرف اداری ایران، تحلیف در برابر قرآن مجید با سوگند خوردن به نام خداوند انجام می‌شود. برابر اصل ۶۷ قانون اساسی ۱۳۵۸، نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید در نخستین جلسه مجلس «در برابر قرآن مجید» به «خدای قادر متعال» سوگند یاد کنند (قانون اساسی، ۲۵)، ولی نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد می‌کنند (همانجا). پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نمایندگان مجلس شورای ملی، با قرآن مذهب خوش جلدی که ابوالحسن حایری زاده آن را از خاندان عبدالرضا خان یزدی ستانده و به وسیله ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده اقلیت مذهبی زرتشتیان به کتابخانه مجلس هدیه کرده بود، مراسم تحلیف را به جای می‌آورده‌اند و به همین دلیل شاعری به طنز گفته است:

حائری زاده که قرآن خوانین را برد نزد کیخسرو در پارلمان اش بسپرد

گفت با جمع وکیلان که پی حفظ وطن با همین مصحف قاجاق! قسم باید خورد

(یادداشت های دکتر قاسم غنی، ۲۶۰/۹)

یکی از مقاطعی که موضوع سوگند خوردن و تحلیف نمایندگان مردم موجب دخالت روحانیت شیعه در سیاست شد و مبارزات سیاسی ناشی از آن منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی ایران، دایرة المعارف تشیع، ۲/۵۶۲ در ۵۶۵) گردید، ماجرای

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ ش بود که کابینه اسدالله علم به دنبال سفر محمد رضا شاه به آمریکا در فروردین ۱۳۴۱ ش در مقام اصلاح قانون انتخابات، در لایحه «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» مصوب ۱۶ مهر ۱۳۴۱، هم‌زمان با حذف شرط سوگند به «کلام الله مجید» از مراسم افتتاحیه انجمن‌ها، دو شرط دیگر (مسلمان بودن و مذکر بودن رأی دهندگان و انتخاب شوندگان) را نیز از مقررات مربوط به انتخابات حذف کرد و بدین گونه اولاً، با حذف لزوم سوگند به قرآن و نیز حذف شرط مسلمان بودن در مقام اعطاء آزادی به همه اقلیت‌های مذهبی (از جمله بهائیان) بر آمد و ثانیاً، با حذف شرط مذکر بودن انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به زنان حق رأی داد. تا آنجا که مربوط به اتیان سوگند است، ماده ۴۱ لایحه مذکور مقرر می‌داشت که: «پس از ایراد نطق افتتاحیه ... در حالی که اعضای انجمن و عموم حضار به احترام به پا خاستند، یک جلد کتاب آسمانی به جلسه می‌آورند و در مقابل جایگاه رئیس قرار می‌دهند و ابتداء، رئیس و سپس یک یک اعضاء انجمن در مقابل کتاب آسمانی قرار گرفته و پس از بوسیدن کتاب آسمانی در حالی که دست راست خود را بر روی آن قرار داده «سوگند نامه» ذیل را بلند قرائت و سپس ذیل آن را امضاء خواهند نمود: «من که در ذیل امضاء می‌کنم، خداوند را به شهادت می‌طلبم و به این کتاب آسمانی «سوگند» یاد می‌کنم تکالیف و وظایفی را که به عنوان عضو انجمن به من رجوع شده است، با کمال راستی و درستی و جدّ و جهد انجام بدهم (مجموعه قوانین ۱۳۴۱، ۶۵-۸۳). لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخصوصاً به علت حذف «قرآن مجید» از مراسم سوگند خوردن و جای‌گزین کردن «کلام الله مجید» با عبارت «کتاب آسمانی» - که اعم از قرآن مجید است - مورد انتقاد شدید و مخالفت جدی فقیهان و مراجع تقلید شیعه قرار گرفت و در نهایت، بر اثر پافشاری آیت الله خمینی، دولت در آذر ۱۳۴۱ تصویب نامه خود را لغو کرد («خمینی، آیت الله حاج سید روح الله»، *دایرةالمعارف تشیع*، ۲۶۵/۷ در ۲۶۷).

همچنین برابر ماده ۲۱ آئین نامه اجرایی قانون استخدام قضاوت مصوب دی ۱۳۶۴، هر کس که در جمهوری اسلامی ایران به منصب قضا منصوب شود باید چنین قسم یاد کند: «من به عنوان قاضی در محضر قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خدای قادر

متعال سوگند یاد می‌کنم که به پیروی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه طاهرين عليهم السلام و استمداد از ارواح طيبة شهدای اسلام پاسدار حق و عدالت باشم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد نمایم که همواره در کشف حقیقت و احقاق حق و اجراء عدالت و قسط اسلامی در گرفتن حق از ظالم و باز گرداندن آن به صاحبش کوشا باشم و با تلاش پیگیر در مسند قضا در تحکیم مبانی جمهوری اسلامی و حمایت از مقام رهبری، دین خود را به انقلاب اسلامی ادا نمایم.»

چهارم - سوگند در حقوق خانواده، چنان که پیش از این مذکور شد، سوگند در حقوق خانواده (طلاق، خلع، رجوع) از ادله اثبات دعوی محسوب می‌شود.

به علاوه در موضوع ایلاء، سوگند خوردن به نام خداوند، یکی از شروط تحقق ایلاء نیز می‌باشد (*ایضاح الفوائد في شرح القواعد ، حلی، ۴۲۳/۳*). ایلاء موردی است که مردی به قصد اضرار به همسر دائمی مدخوله خود به نام جلاله سوگند بخورد که برای مدت ۴ ماه یا برای همیشه زناشویی و آمیزش جنسی با همسر خود را ترک می‌کند (سوره بقره، آیه ۲۲۶). بعد از گذشتن ۴ ماه زن می‌تواند به حاکم شرع رجوع کند و حاکم شرع شکستن سوگند (و دادن کفاره برای شکستن سوگند) یا طلاق دادن زن الزام خواهد کرد و در صورتی که مرد بعد از چهارده ماه هیچ کدام از این دو شق را به انجام نرساند، قاضی می‌تواند او را حبس کند و اگر شوهر ایلاء کننده باز هم سرسختی نشان داد به حکم «الحاکم ولی الممتنع» زن را مطلقه کند («ایلاء»، *دایرة المعارف تشیع، ۶۴۳/۲*).

پنجم - سوگند در خارج از جریان دادرسی، سوگند نه تنها به صورت «قوانین حاکمه» از جهت قواعد آیین دادرسی در اسلام مرسوم بوده است، بلکه در خارج از جریان دادرسی نیز به صورت داوطلبانه در بین افراد برای تأکید قول و قرار و الزام به تعهدات خصوصی و اجتماعی معمول بوده است که در این صورت اغلب در مقام سوگند، «قرآن» را «شهر» می‌کرده‌اند. چنان که در طول تاریخ اکثر وزیران از عصر خوارزمشاهیان به بعد برای اثبات وفاداری خود به پادشاه سوگند می‌خورده‌اند و مستند پادشاهان برای از بین بردن وزیران اغلب همان شکستن سوگند بوده است که نمونه‌ای از آن فرمان جلال الدین خوارزمشاه علیه اتابک ازبک بود که قاضی عزالدین قزوینی فتوی داد که چون اتابک قسم خورده بود

که من به شاه عذر نکنم و اگر کنم، زخم مطلقه باشد، زن اتابک را مطلقه شناختند (سرت جلال‌الدین منکبرینی، چاپ مجتبی مینوی، ص ۱۳۹). نمونه دیگر، محاکمه سعد‌الدین ساوجی به امر سلطان محمد خدابنده است که امراء آن پادشاه این وزیر را در بغداد محاکمه کردند و گفتند که وی سوگند خویش را در وفاداری به شاه شسته و لذا واجب القتل است.

نمونه دیگر آن قسم خوردن قائم مقام فراهانی به نفع عباس میرزا نایب السلطنه و اولاد ذکور اوست.

باز نمونه دیگر، نمونه «قسم نامه» مورخ ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۳ هـ. ق. به خط احمد قوام السلطنه که طی آن امضاء کنندگان با قسم به «کلام الله مجید» تعهد کرده‌اند که برای بر انداختن عین الدوله با هم متحد و متفق و «متصل و ملتصق» باشند (راهنمای کتاب، سال ششم، ش ۴ و ۵ (تیر و مرداد ۱۳۴۲)، ص ۳۶۸). اگر چه اصالت بعضی از این اسناد بعدها به دلایل تاریخی مورد شبهه واقع شده است، اما در انقلاب مشروطیت، این قسم نامه‌ها به صورت «اسلحه سرد» یعنی ابزار جنگ تبلیغاتی مورد استفاده بوده است (راهنمای کتاب، حسین ثقفی اغراز، سال هفتم، ش ۱ (پائیز ۱۳۴۳)، ۱۹۶-۱۹۸).

پس از استبداد صغیر، در ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق که حاج علی قلی خان بختیاری (سردار اسعد) برای مبارزه با محمد علی شاه قاجار از اروپا به ایران آمد، سران ایل بختیاری (به نمایندگی خسرو سردار ظفر، غلامحسین سردار محتشم، علی قلی سردار اسعد، و نجف قلی صمصام السلطنه) و ایل قشقایی (به نمایندگی ابراهیم صولت الدوله سردار عشایر) قسم نامه‌ای دو جانبه در حمایت از مشروطیت امضاء کردند که متن آن بر پشت جلد قرآن موجود، چنین است:

«اینجانبان به این کلام الله مجید، قسم یاد می‌نماییم و خداوند عالم و امام زمان (عج) را شاهد و گواه می‌گیریم که از این تاریخ به بعد با حضرت اجل آقای صولت الدوله سردار عشایر - دام اقباله العالی - یکی و متحد باشیم و با دوست ایشان دوست و با دشمن ایشان دشمن باشیم و به اتفاق ایشان در خدمت شریفه مقدسه و مطاعه مشروطه کامله از

دولت مطابق قانون اساسی متحداً و متفقاً دریغ ننمائیم، مشروط بر این که حضرت اجل آقای صولت الدوله سردار عشایر هم همین قسم قسم یاد فرمایند و ظهر قرآن مجید را مُهر فرموده ارسال دارند. والله علی بالقول وکیل. ربیع الاول ۱۳۲۷. خسرو سردار ظفر - ابراهیم (صولت الدوله) - غلامحسین سردار محتشم - علی قلی سردار اسعد - نجف قلی صمصام السلطنه. (خاطرات و اسناد، وحیدنیا، ۱۵) باز نمونه دیگر قسم نامه‌ای به خط سید محمد صادق طباطبایی است که سردار سپه وعده‌ای از رجال آن زمان در ۲۷ صفر ۱۳۴۲ ق (۱۶ میزان ۱۳۰۲ ش) به کلام الله مجید قسم یاد کرده‌اند که با اتفاق و صمیمیت کامل در حفظ استقلال و تمامیت ایران و ترقیات قشونی، سیاسی و اداری و فلاحتی و تجاری و صنعتی کشور بکوشند («سید محمد صادق طباطبایی»، حسام الدین دولت آبادی، خاطرات وحید، سال اول، ش ۱، آبان - آذر ۱۳۵۰، ۲۸). نمونه دیگر قسم نامه‌ای است که دکتر محمد مصدق در مقطعی که محمد رضا شاه پهلوی از جمهوری شدن ایران بیمناک بود، بر پشت قرآن مجید نوشته و امضاء کرده و به دست پادشاه وقت داده بود که طی آن دکتر مصدق سوگند خورده بود که اگر مردم او را نامزد ریاست جمهوری کنند، وی به هیچ وجه آن را نخواهد پذیرفت (تاریخ جمهوریت در ایران، سید حسن امین).